



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۳/۰۳



عبدالقیوم میرزاده

ملت

منافع ملی

دولت - ملت در افغانستان



زنان

بخش نهم

قسمت دوم

پیش گفتار نویسنده بجای مقدمه: وضعیت ناهنجار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و گسترش نا امنی در سراسر کشور، افتراق و چاق شدن اختلافات گوناگون قومی، مذهبی، جنسیتی و زبانی روز افزون میان مردم، فاصله گرفتن مردم از فهم و درک منافع ملی در کشور ما عزم را به جزم کشاند تا این ناهنجاری ها را تا حد توان و امکانات دست داشته زیر عنوان (ملت - منافع ملی و دولت ملت) به تحریر و به معرفی بگیریم. در این نوشته سعی بر آن داشته ام تا خصوصیت های اساسی مشکلات فرا روی همزیستی، همدلی، همنوایی مردم مارا زیر یک چتر افغانستان شمول به نام مقدس افغان با کند و کاو نشانی کرده و معرفی کنم.

مسئله زنان و مشارکت این قشر در اجتماع، سیاست، اقتصاد و اداره بخش دیگری از آسیب بزرگ اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه ما میباشد که باعث ناتوانی، عقب ماندگی و در ماندگی کشور ما افغانستان گردیده است که بدون رفع این آسیب بزرگ اجتماعی رسیدن ما به سر منزل مقصود ملت یک پارچه و راه یابی به شاهراه ترقی و پیشرفت میسر و ممکن نیست. تجربه کشور های توسعه یافته به وضاحت این را میرساند که میزان شرکت زنان در اجتماع، اقتصاد، اداره و سیاست مستقیماً متناسب است با درجه رشد و توسعه یافتگی آن کشورها. همچنان توسعه پایدار به مثابه مرحله ای که مردم یک کشور برای دستیابی به یک زندگی مرفه به آن نیازمندند بدون استفاده مؤثر از همه ظرفیت ها و امکانات و مشارکت همه مردم که زنان بخش قابل توجه پنجاه در صدی این ظرفیت را تشکیل میدهند، در این طریقه امریست غیر محتمل. زیرا برای بشر پیوسته امکانات محدود بوده و نیازمندی های جامعه نامحدود بوده است، این افزایش نامحدود نیازمندی ها سیاست گذاران و متخصصین اداره و اقتصاد را به این نقطه عطف میرساند که در سیاستگذاری های شان اشتراک همه اقشار خصوصاً قشر زن را در اداره و اقتصاد بصورت مؤثر در نظر داشته باشند.

زنان نیمی از باشندگان کشور ما را احتوا می کنند اما بنا بر نگرش نابرابر جامعه ما در قبال این قشر، موجودیت فرهنگ مرد سالاری، موجودیت خشونت علیه زن، منفعل بودن این قشر در برابر انواع تبعیضات و نابرابری ها و عدم مشارکت فعال در

همه امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اداره، سوء استفاده ابزاری از عده ای نمایندگان زن در ساختار بیوروکراتیک، ارگانهای رهبری، طبقه های انتخاباتی و جامعه مدنی کشور و نشان دادن آن به عنوان مشارکت عمومی زنان در جامعه و تقسیم فطری امور منزل و کار خانه و اولاد داری برای زنان و امور کارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و اداره امور کشور برای مردان باعث آن شده تا این قشر در کشور از شرکت در همه تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بدور نگهداشته شده و جایگاهش در ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه همچنان خالی نگهداشته شود. در افغانستان زیر نفوذ فرهنگ مردسالار جامعه، سوء استفاده از وسایل مذهب، بی باوری، عدم اعتماد به نفس و منفعل بودن خود زنان برای مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان در همه عرصه های زندگی اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نقش بسیار اندک داشته و در جامعه منحیت فرد کامل تلقی نمی گردد بیشتر این تلقیات بر میگردد به خود زنان، ایشان اند که مردان فردای مردسالار جامعه را در دامن خویش پرورش میدهند، زنان کشور ما خود در مشارکت فعال شان در اجتماع باور ندارند، خودشان احساس ناتوانی و بی انگیزگی میکنند، آنها سیاست و کار اجتماعی را خارج از توان و ظرفیت خویش میدانند و به تأثیر گذاری خویش در جامعه و سیاست باور ندارند، در بسیاری از حالات آنها حتی برای انتخاب همسر، خود را ناتوان می پندارند، در سطح خانواده بیشتر از مردان خانواده زنان بالای دختران شان تأکید به رعایت سنت ها و عادات بازدارنده از تحصیل، مخصوصاً تحصیلات عالی، مشارکت و برابری دارند آنها هستند که دختران شان یا زنان فردای کشور را با افکار ناسالم گذشته باز تولید می کنند. بناءً اگر مسئله مشارکت زنان را بصورت قانونمند در برنامه ریزی های آینده ساز کشور در نظر بگیریم، توجه نخست باید به فرهنگ حاکم در کشور مبذول گردد، در ساختار فرهنگی کشور ما که عبارت از مجموعه ای از عادات، عقاید، باورها، هنرها، آداب، اخلاق و حقوق متداول در میان مردمان ما میباشد، این باور حاکم است که زن ضعیف است، این باور باور خود زن است باینست این باور از ریشه دگرگون گردد، زنان کشور ما باید اولاً خود اعتماد به نفس پیدا کنند. رفتارهای نمایشی و حرکات سمبولیک درد زن جامعه ما را دوا نمیکند، بلکه برعکس پروسه بیداری و آگاهی زن را بیشتر به مشکل مواجه می سازد. برویت قوانین کشور خاصاً قانون اساسی و قانون منع خشونت علیه زن راه های قانونی برای مشارکت زن در فعالیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اداره کشور هموار گردیده است اما این به هیچوجه کافی نیست زیرا از یکطرف در شرایط نا امن امروز کشور ما که دولت حتی در پایتخت توان تطبیق قانون را ندارد و در سراسر کشور ملوک الطوائفی با اندیشه های سنتی و تفکر زن ستیزی حاکم است این قانون اساسی و یا قوانین در این راستا چه دردی را دوا میکند؟ از طرف دیگر در جاییکه حتی قدرت دولتی با همین قانون حامی حقوق زنان حکمرانی داشته باشد نمی تواند به زور وارد حریم خانواده ای که در آن فرهنگ و تفکر تبعیض علیه زن و مشارکت او در اجتماع حاکم است، گردد. بناءً با آنکه قوانین نقش ارزنده ای را در این راستا دارد اما زنان کشور ما به آگاهی از نقش خویش در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیازمند اند، نخست باید باور های حاکم در ذهن خود زن تغییر یابد، زنان باید به موثریت مشارکت شان در جامعه باورمند گردند، آنها هم پسران و هم دختران شان را با باور های نو برای مشارکت عموم مردم بدون تبعیض جنسیتی و سایر نابرابری های اجتماعی تربیت کرده و به جامعه بسپارند. به قول جواهر لعل نهرو " برای بیدار شدن مردم این زنان است که باید بیدار شوند، وقتی دختری حرکت می کند خانواده به جنبش در می آید پس از آن روستا، شهر و ملت نیز تکان خواهند خورد. اگرwal Aggrawal

این راه یک شبه نیست زحمات و قربانی های بیشماری را مطالبه دارد، حرکات بیشماری در کشور ما وجود داشته و دارد که بیداری و آگاهی زنان را در متن خویش نهفته داشت ولی زنان کشور ما بنابر نبود سیستم اداره کننده و رهبری کننده نتوانستند از آن بهره جویی موثر کنند، حادثه فرخنده شهید در شهر کابل و حوادث بیشماری سنگسار ها، خود سوزی ها و خود کشی ها در سرتاسر کشور موثر ترین محمل های بیدار کننده محسوب می گردند تا ارگانهای مدافع برابری حقوق زنان، رسانه ها و ادارات فرهنگی در افغانستان با بهره جویی موثر از آن در بیداری این قشر بسیار با اهمیت و محوری جامعه و مشارکتش در اجتماع، سیاست و اقتصاد استفاده می کرد. ما به هیچ پیشرفتی نایل نخواهیم گشت که عنصر ضد پیشرفت در تفکر محوری

ترین قشر جامعه یعنی زنان حاکم باشد. تا زمانیکه خود زنان به این باور و آگاهی نرسند که آنها مانند مردان انسان کامل توانمند بوده و در جامعه نقش مهمتر و بیشتر از مرد را دارا می باشند، فرودست و فرادستی در جامعه در کار نیست و اگر زن خودش برای احراز جای و مقامش در تکاپو نگردد، این خودش است که سند محکومیت و زیردستی اش را با وصف مقام شامخش در جامعه تسجیل میکند و اگر زنان جامعه ما بیدار نگردند این جامعه قرن های دیگر با این مشکلات که دارد تقلا خواهد کرد. زیرا همین زنان اند که پرورش دهندگان اعضای فردای این جامعه اند. آنها از یکطرف مادران و یا تربیت دهندگان فرزندان فردا را در خود پرورش میدهند و از طرف دیگر جوانان و پدران فرزندان فردا را به عهده دارند. ببینید در این دایره مستمر حیات زنان نقش تعیین کننده را دارد که بر علاوه اشتراک خودش در اداره، سیاست، اقتصاد و جامعه از اهمیت فوق العاده برخوردار می باشد بحیث زن و مادر فردا و فردا های ما به بیداری و آگاهی ایشان وابسته می باشد. یعنی حقا که "جواهر لعل نهرو" به اهمیت مستمر این عیب اجتماعی پی برده و این قشر را آغازگر بیداری ملت دانسته است. همان طوری که در شروع این مبحث متذکر شدم مشارکت همه اقشار در پیشرفت و توسعه اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک امریست نهایت ضروری ولی زنان کشور ما که نیمی از ظرفیت و امکانات کشور را احتوا می کنند از شبکه این مشارکت کاملاً به دور اند. برای رسیدن به این هدف والا در گام های نخستین به شیوه های علمی و قانونمند اجتماعی این قشر از نعمت سواد بهره مند گردد، در کتب درسی سواد آموزی و سیستم تدریسی مکاتب و مدارس ضررهای ناشی از عدم مشارکت زنان در تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی بصورت قصدی گنجانیده شود، ادارات مربوط شئون اسلامی و مدارس دینی آیات مبارکه قرآن مجید را که از انسان برغم موجود یکسان بدون تفکیک برتر و ابتر یا بالا دست و زیر دست به کرات یادآوری کرده است و آیاتی که در باره قدسیت زنان و مادران یادآور شده است طی درسنامه ها و مواد توضیحی و خطبه های نماز های جمعه و سایر خطابه های دینی به همه مبلغین مذهبی و امامان مساجد بحیث وظیفه انسانی و دینی داده شود، سازمانها و ارگانهای حمایت از حقوق زنان به شیوه ها و ذرایع موثر و ممکن زنان را به این باور برسانند که بدون مشارکت آنها در تحولات اجتماعی هیچگاه خانواده خوشبخت نمی داشته باشد، یعنی خوشبختی خانواده و جامعه مستقیماً به او رابطه دارد، نباید در زیر فشار کشور های خارجی و مؤسسات آنها که از طرف تمویل کنندگان شان میلیون ها دالر را به این منظور دریافت میکنند تنها به اشتراک زنان به حیث سوژه های نمادین، سمبولیک و نمایشی در ساختار اداره اکتفا کرد، نباید اجازه داده شود تا از زنان تنها در پر کردن صندوق های رأی آنهم برای کامیابی همان جنگ سالاری که زن را در محکمه صحرایی در ملای عام دره زده و سنگسار میکند سوء استفاده گردد، چنانچه این نکته از جانب همه جامعه شناسان کاملاً پذیرفتنی است که زنان تنها با داشتن حق رأی صاحب تمام حقوق تبعه کامل سیاسی نمی گردند. بسیار ضروری است تا هویت، شخصیت و طرز فکر نمایندگان زن در ارگانهای انتخابی و انتصابی کشور با هویت، شخصیت و طرز فکر رای دهندگان زن یکسان گردد آن وقت است که ما می توانیم از یک مشارکت قانونمند اجتماعی و استحکام یافته بحث کنیم، آنگاه است که زنان میتوانند در تمام مشارکت ها اعم از مشارکت سیاسی یعنی شرکت ارادی و آگاهانه، دایمی و یا دوره ای در پرتو قوانین برای انتخاب شدن و یا انتخاب کردن مقامات رهبری کننده دولت قوه های مقننه، قضائیه و اجرائیه و یا ادارات انتخابی دیگر، مشارکت اجتماعی یعنی شرکت آگاهانه و داوطلبانه در بسط و توسعه مسئولیت پذیری، خرد ورزی برای انکشاف جامعه که باعث ثبات و توازن جامعه میگردد و مشارکت اقتصادی یعنی شرکت آگاهانه و داوطلبانه مردم در پروسه تولید و توزیع مناسب و عادلانه، مصرف اشیای تولیدی، سرمایه گذاری، صرفه جویی و پس انداز، استفاده موثر از همه منابع خاصناً منابع کمیاب و بصورت کل مشارکت اقتصادی به مفهوم اشتراک آگاهانه و داوطلبانه مردم در همه امور مربوط به معیشت و اقتصاد می باشد برخوردار گردند. ادارات تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی و اطلاعات و فرهنگ در راستای با سواد سازی، آگاهی و دانش تخصصی و مسلکی زنان تدابیر جامعه شناسانه ای را به اجرا در آورند. جلب زنان در پروسه تولید صنعتی و تکنولوژیک و در عین زمان تدابیر آگاه سازی یکی از راه های دیگریست که به بیداری و مشارکت زن در اجتماع کمک میکند. تأسیس محافل و کودکستان های مهد کودک، شیرخوارگاه ها، ادارات خصوصی نظافت و توسعه شبکه های غذایی

آماده و قابل دسترس برای عموم در سراسر کشور یکی دیگر از راه های رهایی زن از احاطه این مفکوره حاکم می باشد، که او تنها فرد بی بدیل فرزند داری و نظافت خانه و خانواده است.

استقلال فکری زن جامعه ما از تسلط فرهنگ حاکم موجود همچنان وابسته است به معیشت اقتصادی زن که از جانب مرد تأمین میگردد و زنان جامعه ما بنا بر وضعیت موجود تنها امید شان به مرد نفقه ده است، اگر اصل مشارکت در جامعه تأمین گردد و همه اتباع به ماهیت این اصل پی ببرند، زنان کشور ما در سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حیث عناصر داوطلب، آگاه و هدفمند جا داشته باشند و خود را توانمند، مستعد، معاش بگیر و مستقل احساس کنند، آنگاهست که این فرهنگ جایش را به مشارکت یکسان همه اعضای جامعه میدهد و زن در ساختار جامعه جایش را به حیث انسان کامل الحقوق احراز میکند و رفاه و معیشت سراسری از این مشارکت حاصل می گردد. مشارکت زنان در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور از یکطرف حقوق برابر و دیموکراسی را در تمام ساختار های حیات کشور مستکم و تکمیل کرده و از طرف دیگر متضمن پیشرفت و اعتلای جامعه بوده و باعث رفاه عمومی و بلند رفتن سطح درآمد خانواده ها میگردد.



فرمائید:

قسمت اول این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۱.pdf

قسمت دوم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۲.pdf

قسمت سوم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۳.pdf

قسمت چهارم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۴.pdf

قسمت پنجم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۵.pdf

قسمت ششم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۶.pdf

قسمت هفتم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۷.pdf

قسمت هشتم (۱) این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۸_۱.pdf

قسمت هشتم (۲) این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۸_۲.pdf

قسمت هشتم (۱) این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۸_۳.pdf

قسمت نهم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۹.pdf

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

دولت - منافع ملی - دولت در افغانستان (بخش نهم قسمت دوم)

Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۹_۲.pdf